



## بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مهمانان خارجی دهه فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه شعبان

18 / بهمن / 1371

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده هم متقابلاً سالروز این میلاد مبارک و این عید سعید را به همه‌ی مسلمانان عالم، بلکه به همه‌ی حق‌طلبان و مظلومان روی زمین و به ملت شریف و عزیز ایران و شما حضار محترم؛ بخصوص میهمانان دهه‌ی فجر تبریک عرض می‌کنم.

آنچه که در باب این میلاد مبارک به طور دائم باید مورد توجه باشد، این است که امام زمان علیه سلام الله، رمز عدالت و مظهر قسط الهی در روی زمین است. به همین جهت است که همه‌ی بشریت، به شکلی انتظار ظهور آن حضرت را می‌کشند. البته مسلمانان به صورت مشخص، این انتظار بزرگ را معلوم و تحدید کردند و شیعیان نسبت به شخصی که این لباس بر قامت او دوخته شده است، آگاهیهای روشن و مشخص کننده‌ای هم دارند. لذاست که موضوع امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، با این دید، نه مخصوص شیعه و نه حتی مخصوص مسلمین است. بلکه انتظاری در دل همه‌ی قشرهای بشر و ملت‌های عالم است. امیدی است در دل بنی‌آدم؛ که تاریخ بشریت به سمت صلاح حرکت می‌کند. این امید، به بازوان قوت می‌بخشد، به دلها نور می‌دهد و معلوم می‌کند که هر حرکت عدالتخواهانه‌ای، در جهت قانون و گردش طبیعی این عالم و تاریخ بشر است. به همین خاطر است که وقتی ملت ما، قبل از پیروزی انقلاب به مبارزات مشغول بودند، احساسشان این بود که در جهت پیشرفت به سمت آرمان بشریت حرکت می‌کنند. بعد از پیروزی انقلاب هم احساس ملت ایران این است که هر حرکت و هر اقدامی؛ هر مبارزه‌ای که کردیم و هر رنجی که تحمل نمودیم، در جهت مقصودی است که میان آحاد بشر و همه‌ی اهل معرفت مشترک است. مقصود، استقرار عدالت، و هدف، رسیدن به عدل برای بشر است. و اسلام این عدل را تأمین می‌کند.

آنچه که من امروز به مناسبت این میلاد مسعود و اجتماع شما حضار محترم و برادران و خواهران در نظر دارم عرض کنم، نکته‌ای در باب مسائل مربوط به انقلاب است. آن نکته این است که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، امیدی در دل ملتها و مبارزان مسلمان در همه جای عالم پدید آورد؛ دل‌های مرده را زنده کرد و هرچه علیه اسلام و بلکه علیه مطلق دین، تبلیغ و فعالیت و تلاش شده بود، آنها را از ذهن و عمل ملت‌های مبارز در سراسر دنیا زدود و از بین برد. لذاست که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در اطراف عالم نهضت‌های انقلابی پدید آمد، یا اگر هم قبلاً بود، اوج گرفت و شتاب پیدا کرد. علاوه بر این، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، وقتی جوانان و غیرتمندان یک ملت می‌خواستند مبارزه‌ای را علیه ظلمی که بر آن ملت و در منطقه‌ی خودشان حاکم بود، آغاز کنند، به دنبال تفکرات چپ می‌رفتند. از چپ‌ها الهام می‌گرفتند و از آنها جزوه و نوشته و دستورالعمل دریافت می‌کردند. هر جای دنیا که نهضت یا مبارزه‌ای علیه ظلم وجود داشت، شما می‌دیدید یک صبغهی چپ در آن هست، یا سعی می‌شد این صبغهی چپ به نحوی به آن داده شود. چنین تصور می‌شد که بدون ارتباط و اتصال با یک تفکر یا با یک مکتب - که آن هم مثلاً مکتب مارکسیزم بود نمی‌شود مبارزه‌ای را سازماندهی و هدایت کرد و به پیروزی رساند! اما بعد از آن که انقلاب اسلامی



پیروز شد، دیدیم در هر نقطه‌ی عالم که یک حرکت انقلابی و یا حرکت غیورانه‌ای در مقابل ظلم و جور انجام می‌شود، صبغهی مذهب پیدا می‌کند. حرکت‌های مذکور در کشورهای اسلامی، صبغهی اسلام به خود می‌گرفت و در کشورهای غیراسلامی، گرایش به یک مذهب دیگر را در خود داشت. ما حتی در اوایل پیروزی انقلاب، مبارزاتی را مشاهده کردیم که قبل از آن، گرایش‌هایشان مارکسیستی بود؛ اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نه این که آن گرایش مارکسیستی به کلی از بین برود، ولی یک رگهی مذهبی هم در آن به وجود آمد و یا یک عنصر مذهبی هم در آن وارد شد. این همه، از تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی بود.

انقلاب اسلامی ایران، پس از پیروزی خود، از یک طرف به مبارزان دنیا امید داد و دل‌های غیرتمندانی را که می‌خواستند با ظلم و جور و نامردمی در هر نقطه‌ی عالم مبارزه کنند زنده کرد و از طرف دیگر، هویت اسلامی را به ملت‌های مسلمان برگرداند. در این هیچ شکی نیست. این تأثیر مثبتی بود که انقلاب اسلامی در همه جای دنیا گذاشت. اما همزمان با این تأثیر، یک تأثیر دیگری هم در دنیا به جا نهاد و آن این بود که دشمنان جبهه‌ی اسلام را بیدار کرد و به آنان تجربه داد! دشمن کیست؟ جبهه‌ی ضد اسلامی است؛ استکبار است؛ همان که ما به آن «استکبار» می‌گوییم؛ قدرت‌های مسلط عالم. یک روز مظهر استکبار، امریکا و شوروی بودند. امروز که شوروی نیست، امریکا در رأس استکبار قرار گرفته است. قدرت‌های مرتجع، قدرت‌های ضد مردمی، قدرت‌های متجاوز، قدرت‌هایی که ملت‌های ضعیف را در مشقت خود می‌خواهند و دنیا را متعلق به خود می‌دانند، همه در جبهه‌ی استکبار ثبت نام کرده‌اند و اسلام و انقلاب اسلامی با اینها روبه‌روست. اینها بعد از انقلاب اسلامی، مجرب شدند و تجربه پیدا کردند. وقتی انقلاب اسلامی پیش آمد، استکبار هیچ تجربه‌ای نسبت به حرکت‌های عظیم اسلامی نداشت. در گذشته حرکت‌های نامنجمی پیش آمده بود؛ اما این انقلاب و این مبارزه، واقعه و حرکت عظیمی بود که استکبار در مقابلش غافلگیر شد.

ما در اوان پیروزی انقلاب اسلامی به خوبی مشاهده می‌کردیم که دشمن، حیرت‌زده و گیج است و نمی‌فهمد چه اتفاق افتاده است. در حقیقت، استکبار نمی‌توانست تحلیل درستی از آنچه که واقع شده بود پیدا کند. اما بعد از آن که جمهوری اسلامی تشکیل شد، مبارزه‌ی ملت ما با آن قدرت ادامه پیدا کرد؛ جنگ تحمیلی پیش آمد؛ مقاومت این ملت پیش آمد؛ رهبری قاطعانه‌ی امام خود را در میدان‌های مختلف نشان داد و پیوند اسلامی میان مردم و امام، ابعاد مختلف خودش را شناساند؛ دشمن بیدار و هشیار شد و تجربه پیدا کرد. این نکته، برای ما ملت ایران و نیز برای مسلمانان در سایر نقاط عالم، مهم است. با این حال، مسلمانان در سایر نقاط عالم باید توجه کنند که مبارزات اسلامی، مثل یک جنگ نظامی سنتی و کلاسیک است. عیناً مشخصات همان برخورد را دارد. در جنگ نظامی، وقتی می‌بینید دشمن حرکتی ابتکاری از خود نشان می‌دهد، سعی می‌کنید ضد آن حرکت را انجام دهید. همین که دشمن سلاح جدیدی به دست می‌آورد، سعی می‌کنید ضد آن سلاح را فراهم کنید. او تانک برای خود فراهم می‌کند، شما ضد تانک فراهم می‌کنید. او هواپیمای جنگی برای خود تحصیل می‌کند، شما ضد هوایی درست می‌کنید. به معنای دقیقتر، هر حرکتی را که دشمن انجام داد شما می‌نشینید، فکر و تلاش می‌کنید و با ابتکار و هوشمندی، حرکت مقابل او را انجام می‌دهید. در مبارزات اسلامی نیز همین‌طور است. در نهضت اسلامی نیز همین وضع وجود دارد. دشمن چون نسبت به انقلاب اسلامی تجربه پیدا کرده است، روش‌های جدیدی را به کار می‌گیرد. لذا مسلمانان عالم باید هشیار باشند.

می‌بینید دشمن در کشورهای مختلف اسلامی چگونه عمل می‌کند؟ می‌بینید امروز دشمن در بوسنی هرزگوین چطور عمل می‌کند؟ یکی حرکت صربهاست، یکی هم حرکت امریکا و اروپا که با سکوت خودشان، با بی‌اعتنایی خودشان،



با تظاهر به اهمیت دادن و در واقع اهمیت ندادن، به نسل کشی توسط صربها کمک می‌کنند. این، يك شیوه‌ی حرکت از طرف دشمن است؛ کار نوی است که دشمن انجام می‌دهد. در قضیه‌ی فلسطین می‌بینید که دشمن چه روشهایی را به کار می‌گیرد؟ در مقابله با نهضت‌های اسلامی در کشورهای مختلف، مثل الجزایر و جاهای دیگر هم می‌بینید که دشمنان جهانی و عوامل بومی آنها چگونه حرکت می‌کنند؟ در هندوستان به گونه‌ای، در تاجیکستان به نحوی و در کشورهای مختلف، هر کدام برحسب موقعیت، به نوعی. دشمن برای برخورد با نهضت‌های اسلامی به طور دائم در حال طراحی است. مسلمانان هم باید اذهان خودشان را هدایت کنند؛ با یکدیگر به مشورت بپردازند؛ از تجربه‌های هم استفاده ببرند؛ راهها را در مقابل یکدیگر باز، و به هم کمک کنند تا برای مقابله راههای جدیدی بیابند. ای بسا تجربه‌ها که ما را به ابتکارات جدیدی دعوت می‌کنند!

به‌هرحال، اینها مربوط به سطح جهان است. در داخل جمهوری اسلامی؛ در داخل ایران اسلامی که مرکز توجه خصمانه‌ی دشمن است، دشمن از تجربه‌های خود حداکثر استفاده را می‌کند. لذا ما ملت ایران باید هشیار باشیم. دشمن چند نکته را برحسب تجربه فهمید و دانست که اینها نقاط اصلی پیشرفت انقلاب اسلامی است و باید با اینها مقابله کند. يك نکته، امام، آن رهبر عجیب، استثنایی و عظیم‌القدر بود. دشمن متوجه شد که نفوذ رهبری در ایران اسلامی چه می‌کند و چگونه این رابطه‌ی محبت آمیز میان رهبر و ملت، در میدانهای مختلف گره‌گشا و بازکننده راههاست. دشمن دید که نفوذ امام رضوان‌الله تعالی‌علیه، چگونه مردم را در همه‌ی میدانها، مقابل دشمن بسیج می‌کند. این، نکته‌ای بود که دشمن روی آن تکیه کرد. تجربه‌ای که دشمن پیدا کرد این بود که باید شخص امام امت رضوان‌الله تعالی‌علیه و مطلق رهبری اسلامی - یعنی همان چیزی که در معارف انقلاب و معارف اسلامی با عنوان «ولایت فقیه» شناخته شده است - را زیر سؤال ببرد. لذا بیشترین تبلیغات دشمن، علیه امام بود. منتها به شکلی هدایت شده، دقیق و البته بی‌فایده! امروز هم ایادی دشمن، در اطراف عالم و داخل ایران، علیه امام تبلیغ می‌کنند. منتها به نام امام کاری ندارند؛ چون می‌دانند که به نام امام نمی‌شود نزدیک شد و به آن جسارت کرد. لذا به راه و عملکرد امام حمله می‌کنند و گذشته‌ی انقلاب را زیر سؤال می‌برند. این قلم‌های مأجور و مزدور و یا غافل - از این دو خارج نیست - که در يك مقاله، سالهای اول انقلاب را به کلی زیر سؤال می‌برند، مقصودشان چیست؟! اینها با چه کسی طرفند؟! با امام؟! مگر رهبری امام نبود که ده سال به این ملت کمک کرد تا بتواند دشوارترین راهها را بییماید؟ چه کسی می‌توانست کشور ویران شده‌ای را که ایادی دشمن و رژیم فاسد پهلوی آن را به خاک سیاه نشانده بودند و در دل آن، جنگ خانمان برانداز و ویرانگری پیش آمده بود، حفظ کند و به پیش ببرد؟ چه کسی ممکن بود این کار را بکند؟ این، رهبری امام بود. و حال رهبری امام و رهبری اسلامی را زیر سؤال می‌برند؛ اصل مفهوم رهبری فقیه و حاکمیت دین‌شناسان را زیر سؤال می‌برند.

فقیه یعنی چه؟ فقیه یعنی کسی که دین را می‌شناسد و راهی را که دین برای مردم ترسیم کرده است تا بتوانند سعادت و خوشبختی و آزادی و خوشی دنیا و آخرت را به دست بیاورند، می‌شناسد و در مقابل مردم می‌گذارد. فقیه یعنی حاکمیت انسانی که يك منطق عقلانی پشت سرش هست و استدلالی محکم دارد. حاکمیت چنین انسانی را، حاکمیت يك نظامی یا يك سرمایه‌دار، یا حاکمیت يك سیاستمدار حزبی حرفه‌ای ندارد. مقالات خارجی، تبلیغات خارجی خبرگزاریها، مطبوعات، رادیوها، تلویزیونها و مزدوران داخل کشور، این را زیر سؤال می‌برند. البته کشور ما به فضل الهی کشور آزادی است. ما نمی‌گذاریم مزدوران با کارهای خودشان این آزادی را متزلزل کنند. بعضی می‌خواهند به گونه‌ای بنویسند که ما جلوشان را بگیریم! نه؛ بگذار بنویسند! بعضی می‌خواهند در نوشته‌هایشان در مطبوعات به ما فحش بدهند و ما به جنگ با آن مطبوعات تحریک شویم تا بعد در دنیا بگویند: «ببینید جمهوری



اسلامی آزادی ندارد!» نه؛ ما فریب نمی‌خوریم. ما در بحبوحه‌ی جنگ که در هیچ کشوری آزادی مطبوعات به آن شکل نیست، آزادی مطبوعات داشتیم. امروز شما نگاه کنید ببینید تعداد روزنامه‌ها و مجلاتی که در ایران منتشر می‌شود، چقدر است؟ در کدام کشور با ظرفیتهای کشور ما، این همه روزنامه و مجله منتشر می‌شود؟ هرچه هم دلشان می‌خواهد می‌نویسند! همین مطالبی که درباره‌شان صحبت کردم، در مقالات مجله‌ها وجود دارد. البته مردم، غالباً اطلاع ندارند که اینها چه می‌نویسند! علتش هم این است که مردم اعتنایی به مزدوران ندارند و وقتشان را صرف آن نمی‌کنند که چنان نوشته‌هایی را بخوانند. اما آنها می‌نویسند و ما خبر داریم. پس شما ملت عزیز هم باید بدانید که برای چه می‌نویسند و هدفشان چیست. دشمن از نفوذ و شخصیت امام و نفوذ رهبری دینی، در هر زمانی به شدت صدمه خورده و داغدار است. یکی از نقاطی که دشمن می‌خواهد با آن مقابله کند، رهبری و نفوذ آن است.

نقطه‌ی دومی که دشمن روی آن سرمایه‌گذاری می‌کند، جوانان است. در ایران اسلامی، جوانان ما در کوره‌ی انقلاب، افرادی پارسا بار آمدند. پارسایی جوانان ما بی‌نظیر یا لااقل کم‌نظیر است. بنده که نظیری برای آن سراغ ندارم! جوان بری از آلودگیهای مختلف و پاک از شهوات، وارد میدانهای خطر می‌شود؛ همه چیز را رها می‌کند؛ آسایش و راحتی را کنار می‌گذارد؛ به فکر حرکتی الهی است و احساس می‌کند بار مسؤولیت بر دوش اوست. دشمن با چنین جوانی به شدت مخالف است. به همین سبب کوشش می‌کند تا جوانان ما پارسا نمانند. امروز باندها و دستهایی را می‌شناسیم که به شکل یک گروهک، می‌خواهند جوانان را فاسد کنند. البته ما با چنان باندها و دستهایی برخورد می‌کنیم و با آنها که نسل جوان را تهدید می‌کنند، شدیداً مبارزه خواهیم کرد.

نقطه دیگری که برای دشمن بسیار مهم است، موضوع مردمی بودن دولت و مجلس و مسؤولان کشور است. در کشورهایی که مثلاً دموکراسی وجود دارد، اگر شما نگاه کنید، می‌بینید غالباً دولتمردان یا از سرمایه‌داران و یا وابسته به سرمایه‌دارانند و مجلسهایشان را غالباً افراد متنفذ، پولدار، قدرتمند و زور دار پر می‌کنند. در کشورهایی هم که دم از دموکراسی می‌زنند، وضع به همین گونه است. در کشورهای معروف و نام‌آشنای جهان، غالب کسانی که در رأس حکومتها قرار می‌گیرند از خانواده‌ها و قشرهای شناخته شده‌ی سیاسی، مالی، نظامی و یا اشخاص وابسته به طبقات دارای زر و زورند. در ایران اسلامی این گونه نیست. مجلس شورای اسلامی متکی به عناصری از متن مردم است. یک معلم، یک کشاورز، یک روحانی، یک پزشک، یک کاسب یا یک دانشجو، به یک منطقه‌ی انتخاباتی رفته است و مردم او را شناخته‌اند، به او رأی داده‌اند و به مجلس شورای اسلامی وارد شده است. دولت جمهوری اسلامی نیز همین‌طور است. کسانی که در رأس مسؤولیت‌های دولتی قرار دارند، افرادی هستند که عمر و جوانی خودشان را در مبارزات و سختیها و شداید گذرانده‌اند. مثل رئیس‌جمهور عزیز ما؛ همین شخصیت برجسته‌ای که عمر و جوانی‌اش را در راه مبارزات گذاشته است. همکاران او هم کسانی‌اند که سوابق مبارزاتی و یا قابلیت‌ها، آنها را به سمت مسؤولیت‌ها کشانده است. هیچ‌کدامشان به یک خانواده‌ی ثروتمند، به یک مجموعه‌ی اشرافی، به یک فامیل مشهور ریشه‌دار قدیمی، به یک کمپانی و یا به قشری از قشرهای دارای زر و زور، وابسته نیستند. همه از مردمان معمولی و انسانهای سالم و صادقند. مهندسی، دکتری، آدم کار کرده‌ی مجربی را آورده‌اند و مشغول کار کرده‌اند. این هم یک نکته است که دولت، دولتی مردمی است. لذا مردم، هم مجلس، هم دولت و هم مسؤولین را دوست می‌دارند؛ چون می‌بینند که اینها از جنس خودشان هستند. روی این نقطه هم، دشمن فعالیت می‌کند. دشمن تلاش می‌کند دولت و مسؤولین را در چشم مردم از صلاحیت و ابهت لازم ساقط کند. این، کار دشمن است. تخصص دشمن در این است که خبرها را تحریف کند و واقعیتها را دروغ جلوه دهد.



نقطه‌ی دیگری که دشمن روی آن تلاش می‌کند، روحانیت است. روحانیون چون در بین مردم محبوبیت و نفوذ و شخصیت داشتند، توانستند در دوران اختناق، پیام مبارزه را تا اعماق جامعه پیش ببرند و همه را از نظرات امام مطلع کنند. روحانیت مبارز این کار را کرد. مردم، روحانیت را دوست می‌داشته‌اند و به آنها اعتماد دارند. این اعتماد و ابراز محبت به روحانیون در کشور ما، یک سنت مربوط به طول قرن‌هاست. روحانیت اسلام در داخل کشور ما، متکی به مردم است و هیچ وقت وابسته به قدرتها نبوده است. امروز هم روحانیون به هیچ قدرتی وابسته نیستند و صد درصد مردمی‌اند. مردم ما همیشه قداستی برای روحانیت قائل بوده‌اند و بحمدالله، امروز هم قائلند. مردم، روحانیت را مجموعه‌ای پاک و سالم و قابل اعتماد می‌دانند. می‌بینیم دشمن، از تجربه‌های خود در این زمینه، استفاده می‌کند. دشمن می‌فهمد که باید روحانیت را در چشم مردم، از حیثیت و اعتبار انداخت. همه‌ی تلاششان این است! تبلیغات می‌کنند، دروغ می‌گویند، اگر مسأله کوچکی را در جایی پیدا کنند، چندین برابر بزرگ می‌کنند و برای این‌که روحانیت را از چشم مردم بیندازند، خویبها و گذشته‌ها و فداکاریها را نمی‌گویند. علم و دانش روحانیت را انکار می‌کنند و تقوای آنها را منکر می‌شوند؛ همچنان که پنجاه سال، در دوران رژیم پهلوی هم از این کارها می‌شد. روحانیت، که مجموعه‌ای علمی و تقوایی است، به وسیله بلندگوهای رژیم پهلوی، فاقد علم و تقوا معرفی شده بود. امروز هم همان تبلیغ کذا انجام می‌گیرد. اینها مجموعه کارهایی است که دشمن انجام می‌دهد.

ملت ایران، به برکت دین و هشیاری و وحدت کلمه، توانسته است تا امروز از همه‌ی موانع بگذرد. مواظب باشید و این هشیاری را حفظ کنید. این هشیاری که از اعتقاد و ایمان دینی سرچشمه می‌گیرد، ما را به نکاتی از جمله «وحدت کلمه» توجه می‌دهد. این هشیاری را باید با همه‌ی وجود و با همه‌ی قدرت حفظ کنید. دشمنان ما بدانند که ملت ایران به برکت تعلیمات دینی، همچنان که در طول این راه از تهدید دشمن نترسیده است، امروز هم از تهدید و اشتلم آنان نمی‌هراسد. قدرتمندان، دنیا را پر از ظلم می‌خواهند. گرچه به زبان نمی‌آورند؛ اما عملشان گواه آن است. ظلم می‌کنند، برای این‌که منافع خودشان را تأمین کنند. ما با ظلم و قلدری مخالفیم. ما برای استقرار قسط و عدل قیام و تلاش کرده‌ایم و باز هم این ملت در همین راه تلاش خواهد کرد. حرکتی که برای قسط و عدل است بر حرکتی که در مقابل قسط و عدل ایستاده است، پیروز خواهد شد. در این، شکی نیست. دنیا به سمت عدل و قسط حرکت می‌کند و معنای امام زمان و انتظار فرج همین است. انتظار فرج یعنی این‌که در سرنوشت بشریت، یک فرج بزرگ هست و ما به سمت آن فرج پیش می‌رویم. از چه بترسیم؟ چرا بترسیم؟ چرا تردید کنیم؟ چرا اطمینان خودمان را از دست بدهیم؟ دستورات اسلام، چراغ راهنمای ماست. آنچه را که میراث گرانبهایی از اسلام است، در دست داریم. مجموعه‌ی گفتار امام، که متخذ از اسلام است، میراثی گرانبها و دستاوردی عظیم است که چراغ راه ماست.

ما معتقدیم که ملت‌های مسلمان، در هر نقطه از دنیا که هستند، اگر تصمیم بر ایستادگی برای اسلام و نصرت آن داشته باشند، پیروز خواهند شد. اساس قضیه این است که مسلمانان در هر نقطه از عالم که هستند، باید تصمیم بگیرند از عدالت دفاع کنند، از عدالت بگویند، در مقابل ظلم بایستند و از اسلام - اسلامی که طرفدار مظلومین و ضعفاست - دفاع کنند. قدرتمندان عالم که بر همه جا مسلطند، خودشان قدرتشان را افسانه‌ای جلوه داده‌اند. واقعیت قدرت آنها با آنچه که دارند خیلی متفاوت است. اگر آمریکا از آن قدرتی که ادعا و تلقین می‌کند برخوردار بود، امروز باید از مبارزات فلسطین اثری دیده نمی‌شد. اما می‌بینید که مبارزات مردم فلسطین، روزبه‌روز پیش می‌رود. فلسطینی‌هایی که در این سرمای زمستان از خانه و کاشانه‌ی خود بیرون رانده شده‌اند، مشکلترین مشکل را برای رژیم صهیونیست غاصب به وجود آورده‌اند. اینها قوی هستند و غالب خواهند شد؛ به شرط این‌که صبر کنند.



اسرائیلیهای غاصب و خبیث، با این عمل، اشتباه بزرگی مرتکب شده‌اند و خودشان را در محظوری چند جانبه گذاشته‌اند. امروز از هر طرف حرکت کنند، شکست می‌خورند و ضربه می‌بینند. امروز هر کار که بکنند با شکست مواجه می‌شود. اگر فلسطینیها را برگردانند، شکست خورده‌اند. نگهشان بدارند، شکست خورده‌اند. اعدامشان کنند، شکست خورده‌اند. زندانی‌شان کنند، شکست خورده‌اند. البته شرطش این است که مبارزین فلسطینی خسته نشوند؛ مقاومت کنند و بایستند و از سخن خود برنگردند. دشمن، آسیب‌پذیر است. همه‌ی دشمنانی که با ملت‌ها مبارزه می‌کنند، آسیب‌پذیرند.

امیدواریم که ان‌شاءالله توجهات ولی‌عصر ارواحنا له الفداء و عجل‌الله تعالی فرجه الشریف شامل حال این ملت عزیز و همه‌ی ملت‌های مسلمان باشد و تفضلات الهی دستگیر همه‌ی شما گردد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته